

شازیه مقبول،
دانشجو دوره دکترا، بخش فارسی،
دانشگاه کشمیر، سری نگر۔

احوال و آثار ملا بهاء الدین متو به ویژه مثنوی ”نقشبندیہ“

حکومت سنگان در کشمیر بعد از افغانها (۱۱۲۱-۱۲۳۴) قایم شد به علت ناظم افغانها که بسیار ظالم و جابر بودند مردم کشمیر تنگ آمده بودند و می خواستند که از آنها نجات یابند۔ در اواخر ایام افغانان در پنجاب حکومت مهارجه رنجیت سنگه قایم شده بود و سیاستمداران کشمیر به او برای کمک درخواست کرد و او این موقع را غنیمت دانست و دیوان مصر چند را برای کمک آن فرستاد و او جبار خان (ناظم آخر افغانها) را شکست داد۔ و دیوان موتی رام نخست ناظم سنگان در سنه ۱۲۳۴ هـ بر حکومت جلوس نمود و بفرمان شہریار لاهور پندت بیردر متکفل مالیه گشت و بحکم ناظم ابواب مسجد جامع مسدود شد ا اذان ممنوع گشت۔ مختصراً اگر چه ناظران سنگهان ظالم و جفا پیشه بودند ولی بعضی از آنها علم دوست و ادب پرور بودند با وجود از ظلم و استبداد صویداران در ترویج و ترقی زبان و ادب فارسی اثری نه شد و به همین علت این عهد را ”ثانی عهد مغل“ می نامند و چندتا علم دوست و ادب پرور از مردمها برای روایت زبان و ادبیات فارسی سعی نمودند که دلایل آن در آثار آن علماء و فضلاء و شعراء برجسته آن زمان موجود هست و در آن شعراء مشاہیر یعنی حمید الله شاه آبادی و ملا بهاء الدین متو و ملا عبد الله مرزا مهدی مجرم و پندت سکندر رام و تابه رام ترکی و سترام بقا و بیربل کاجرو قابل ذکر اند۔

حمید الله شاه آبادی سرگزشت آن زمان را به اندازه طنز در "بیوج نامه" نوشته است و شعراء دیگر داستان محلی را که در زبان کشمیر بود را در شعر بیان نمودند و مفتی صدر الدین وفائی مشهور داستانی کشمیر "هیبه مال ناگری" را در نظم فارسی ترجمه کرد و نظمی دیگر به نام "تحفته العشاق" نوشت.

پندت شنکر جیون آخون گرامی (م ۱۲۴۱) باشندده رینه واری سرینگر بود و شاعر خوش مزاق بود علاوه به غزل و رباعی و مثنوی و اصناف دیگر هم طبع آزمائی نمود. مثنوی به نام "نیت شاه" نوشت. خواجه شاه نیاز نقشبندی (م ۱۸۲۸) صاحب دیوان فارسی بود و "چائی نامه" نوشت. ملا بهاء الدین متویکی از شعراء برجسته آن زمان و موضوع اصلی هست احوال و آثار وی به زیر بیان می شود.

اسم شان ملا بهاء الدین متخلص به "بها" در ۱۱۸۰ هـ بمطابق ۱۷۶۶ م در محله پتوان مسجد متصل نوهته سرینگر چشم بجهان گشود. اسم پدرش نور الله بود خاندانش مرکز علمی مانده است و در آن علمائی و فضلائى برجسته پیدا شدند بطور نمونه ای ملا عبد الحق و مفتی و آیت الله و ملا نصر الله و مولوی محمد انور قابل ذکر اند و خانواده شان به اسم "متو" شهرت یافته است.

بهاء الدین در جوانی به تصوف گردید آنگاه نزد ملا محمد بلخی به فراگیری دانشهای دینی پرداخت و بعدها پیشه معمولی را برگزید و به همین سببی صاحب فتوحات قادریه بانامش واژه "آخوند" نوشته است او در تصوف و عرفان علاقه ای خاصی می داشت و کار بند شریعت و سنت بود. در شعراء برگزیده زمانه خویش می شمردند عقاید شاه عنایت الله اختیار کرد و زندگی خویش را در تجرید و تقرید و صلاحیت و تقوی بسربرد طبعی موزون می داشت و شعر برجسته می گفت. ای "خمسه بها" را در تتبع "خمسه نظامی" سروده است و در خمسه سرایان کشمیر

نام پیدا کرد. بها در ۱۲۴۸ ق در گذشت و در مزار اسلافشان یعنی محله مسجد پتوانی به خاک سپرده شد.

آثار ادبی او

آثار منظومی بها مشتمل از پنج مثنوی مشابه خمسه نظامی از او بر جای مانده که اینهاست:

ریشی نامه: در ۴ هزار بیت که شرح زندگی مشایخ ریشیه کشمیر است این رساله به کتابت ابراهیم قادری فرزند میر احمد شاه در سالهای ۱۲۸۴-۱۲۸۵ ق به خط نستعلیق و در سه دفتر آراسته به حواشی و عنوان های رنگی در ابتدائی هر بخش فراهم آمده است.

سلطانیه: سلطانیه که در زندگی نامه سلطان العارفین شیخ همزه مخدومی و مریدان اوست و تعداد ابیات آن به ۳۴۰۰ می باشد.

غوئیه: که زندگی نامه پیران قادری شامل شرح حال و تعلیمات شیخ عبد القادر جیلانی (م ۵۶۱ ق) و مریدان او: ابو مدین و ابن عربی و ابو نجیب سهروردی و عمار بابر و نجم الدین کبروی است و ابیات آن به ۵۵۰۰ می رسد. ملا صاحب سال تصیف این از "ستون دین فنا" بر آمد کرده است.

نقشبندیه: که شرح حال بزرگان نقشبندیه است، این مثنوی با خواجه یوسف همدانی آغاز می شود و با سوانح خواجه عنایت الله نقشبندی به پایان می رسد. سن تکمیل این مثنوی از "ختم نامه کنم" بر می آید که ۵۱۲۴۲ می باشد.

چشتیه: که شرح حال صوفیان سلسله چشتیه است و با خلیفه حضرت ابو بکر صدیق آغاز شده و به میان هاشم کشمیری خاتمه یافت و در این مثنوی حمد و نعت و منقبت و شجره و بزرگان سلسله قادریه نیز آورده است و به مرشد خویش یعنی شاو عنایت الله مدح کرده است.

دو تا نسخه خطی این مثنوی در کتابخانه سازمان تحقیق و

اشاعت حکومت جموں و کشمیر محفوظ اند یکی به تحت شماره ۲۸۱ نگاه داری می شود این نسخه سالم است و اندازه نسخه ۱۵-۱۹ سانتی میتر است و تمام نسخه به کاغذ نیم سفید نوشته شده است و حاوی ۱۴۵ برگ است و هر برگ ۱۶ ایات در خط نستعلیق نوشته است و نسخه دوم نسخه غیر مطبوعه در همین کتابخانه زیر شماره ۳۳۱۲ محفوظ است و به اندازه ۱۵-۲۱ سانتی میتر می باشد و تمام نسخه به کاغذ معروف کاغذ کشمیری نوشته و حاوی بر ۴۰ برگ و هر برگ ۲۹ ایات در خط نستعلیق به روشنائی مشکی نوشته است۔

همان طور که ذکر شده است این مثنوی (نقشبندیه) دربارهٔ شرایط زندگی بزرگان نقشبندیه نوشته شده است و شاعر در آغاز مثنوی توصیف بزرگان نقشبندیه در چند تا اشعار بیان کرده خواجه یوسف همدانی که یکی از مشایخ نقشبندیه بود دربارهٔ وی این طور می گوید:

خواجه که بصد شکوه است او سرو سرخیل و سر کرده است او
 خواجه یوسف آنکه او بجهان زد علم با شکوه پادشاهان
 او درین خاکدان چون جلوه نمود چار صد و چهل در افزون بود
 مهر تابنده سر از همدان زد که شد عالمی از و همه دان
 عالمی از فیوض معنویش گشت فایض زهی بر تبرویش
 قاف تا قاف در گرفت همه از کمالش سر شگفت همه
 او در اول به تیز بینی شد مشغول در علوم دینی شد
 شد ببغداد پیش بو اسحاق گشت در هر علوم و دانش طاق
 از احادیث و فقه و تفسیر بهره ور شد بسی بنور کثیرا
 حضرت سید علاؤالدین عطار یکی از مشایخان سلسله نقشبندیه و خلیفه
 اول حضرت مشکل کشا بود و شاعر راجع به آن می سراید:۔
 در ره حق ز کاملان اکمل قطب دوران خلیفه اول

سرو سروران و آزادان مفخر عارفان و افرادان
 در جست عالی و صحیح نسب سید و جید و خدائی طلب
 داده جزملت و بدین رونق مقتدای جهان علاؤ الحق
 شد کمالات خواجه زواظهر قدس الله سره ال اطهر
 پدر او که نور امجد بود نام پاکش ازان محمد بود
 سرز خوارزم داده آبایش مسکن اندر سر بخارا یش ۲

حضرت خواجه نظام الدین خاموشی هم از عارفان نقشبندیه بود و شاعر
 درباره آن این طور رقمطراز است:

عارف حق نظام الدین خاموش شور عشق از دلش چو برزد جوش
 اولاً روی در بخا را کرد کسب علم بقدر یارا کرد
 گشت آگه ز فقه و تفسیر وز رموز مصابح و تنویر
 بپر عالمی پسندیده خواجه نقشبند را دیده
 شور عشقش بسر فتادگر بسمرقند رو نهاد دگر
 شد به پیش علاؤالدین عطار تا سمیمی برد ز نگه
 بود ز آن بیش در ریاضت ها مشغل در امور طاعت ها
 یکدمی بی وضو نمی ماندی که بجز شست و شونمی ماندی
 جامه بودی سفید و دستارش چهره ز آب وضو گهر بارش ۳
 خواجه عبد الله اصفهانی یکی از مریدان خواجه علاؤالدین عطار

می باشد و شاعر درباره آن در شعر بیان می کند:

آنکه از خواجهگان نامی بود خواجه عبدالله آن امامی کند
 مولدش گرچه اصفهان دارد لیک فخری سر شهان دارد
 گفت که حبیب هستیم شده شق از سر صحبت علاؤ الحق
 یافتم صحبتش چو اول بار خواند بیت فریدالدین عطار
 نومباش اصلاً کمال این است و بس تو در و کم شود وصال این است و بس
 خواجه این نکته که بیانم کرد در زمان صاحب عیانم کرد

ذکر مولانا حضرت شیخ علاؤالدین آب پیزی که زمرهٔ خواجگان
عالیشان بود و شاعر حال وی در شعر بیان می کند: -

آنکه از قدسیان ربوده سبق ز آب پیز است آن علاؤالحق
سعد الدین راز طالبان اکمل سرزده در مفصل و مجمل
مولوی گفت ز اول سبقش چونکه ره داد سوی قرب حقش
کای علا اعتقاد کن بدرست سراین نکته باش چابک و به
چست ۵

شاعر در اواخر مثنوی در توصیف خواجه عنایت الله نقشبند در این
اشعار ذیل می فرماید: -

چونکه در علم کس نداشت بدل هم بتقوی او ورع بود مثل
بوضو نوبتی ز خانه گذشت سر دریا بغسلخانه گذشت
کوزه در گرفت بر کف دست کوزه با او فصیح گفت که هست ۲
واز این اشعار مثنوی به اختتام می رسد: -

این رباعی که از کلام وی است مخبر از نسبت تمام وی است
سال اتمام این در سختم هاتقی گفت ختم نامه کنم ۷

منابع و ماخذ:

- ۱: متو، بہاء الدین، نقشبندیہ، نسخہ خطی محفوظ در کتابخانہ تحقیق و اشاعت جموں و کشمیر صفحہ ۱
- ۲: ایضاً صفحہ ۲۰
- ۳: ایضاً صفحہ ۳۱
- ۴: صفحہ ۳۳
- ۵: صفحہ ۴۸
- ۶: اصلح، مرزا، تذکرہ شعراء کشمیر (جلد ۴) تکملہ حسام الدین راشدی، کراچی ۵۳۴۲
- ۷: رفیقی، محمد امین، تذکرہ اکابر کشمیر، انتشارات آفسیت دہلی ۲۰۰۲ء
- ۸: شمس الدین احمد، پروفیسر و دکتور، حضرت خواجہ نقشبند و طریقت نقشبندیہ، ناشر شیخ محمد عثمان، سرینگر، چاپ اول ۲۰۰۱
- ۹: شمس الدین، دکتور، واقعات کشمیر، ناشر سازمان تحقیق اسلامی جموں و کشمیر، سرینگر ۲۰۱۳
- ۱۰: کھیوہامی، پیر غلام حسن شاہ، تاریخ حسن، ترجمہ از دکتور شریف حسین قاسمی، انتشارات علی احمد ایند سنز۔

